پاورقی (۲۰)

ازدواج اسامه با دختر خاله‌اش

منبع: القبس . مترجم: محمدعلی عسگری

بن لادن

خودش می‌گوید: «اسامه بچه‌ای خجالتی، خوش‌قلب و خیلی حرف‌گوش‌کن بود. من تلاش کردم در او نهال محبت و ترس از خدا و احترام به دیگران و همسایگان و استادانش را غرس کنم.»

بعدها علیاء برای باردوم با مرد دیگری ازدواج کرد که در مجموعه بن‌لادن کار می‌کرد و محمدالعطاس نام داشت. این مرد گرچه تلاش می‌کرد خانواده و فرزندانش را دوست داشته باشد اما هرگز نتوانست جای خالی پدر را برای اسامه پر کند. اسامه بعدها به خانه خاله‌اش غانم رفت. او به مدت دوسال در لاذقیه تحصیل کرد. استاد انگلیسی‌اش که هنوز او را به یاد دارد، می‌گوید: «فقدان پدر روی او اثر خیلی زیادی گذاشته بود. او خیلی تنها بود.»

لاذقیه

آن زمان نجوا تغییراتی را که در زندگی این پسر جوان رخ داد، مشاهده می‌کرد. اسامه هنوز ۱۰سالگی را رد نکرده بود. نجوا می‌گوید: «خیلی کم حرف می‌زد. سال‌ها گذشت اما او به‌ندرت از آن اتفاق حرف می‌زد.» سلیمان که برادر نجوا بود درصدد آن برآمد به این پسرجوان نخستین درس‌های دینی را دهد تا شاید از این حالت افسردگی خارج شود. وی می‌گوید: «اسامه پیوسته می‌گفت دوست دارد هرچه زودتر بزرگ شود تا بتواند جانشین پدر شود. خیلی مشتاق این بود که دست به‌کار شود.»

نجوا، وقتی به نوجوانی رسید مانند همه نوجوانان بر ضد لباس‌های سنتی و تحمیلی از سوی مادرش قیام کرد زیرا به جای آنها لباس‌های مدرن و رنگارنگ جدید را ترجیح می‌داد. وقتی تابستان آمد خودش را از تمام دامن‌های بلند یا پیراهن‌هایی که دستانش را تا مچ می‌پوشاند، خلاص کرد. خودش از آن دوران می‌گوید: «قلبم برای ارتباط با اسامه پر می‌زد. من همه‌چیز او را دوست داشتم. ظاهرش را، آن آرامشی که داشت، نحوه رفتارش با دیگران و قدرت شخصیتش را. اما هرگز ما احساساتمان را برای هم نگفتیم و هرگز صحبتی از ازدواج نداشتیم.»

به‌نظر می‌رسید اسامه از بودن در لاذقیه راضی شده است. می‌گویند در آنجا پیوسته به سراغ جزیره‌ای می‌رفت که در وسط یک دریاچه بود و با خانه خاله‌اش چندان فاصله‌ای نداشت. این واحه را خیلی دوست داشت. یک‌بار از سلیمان برادر نجوا پرسید چطور می‌شد که می‌توانست خانه‌ای بخرد تا در آن زندگی کند.

تابستان ۱۹۶۶

خانواده غانم هر تابستان از اقوامی که از جده می‌آمدند استقبال می‌کرد. خانم این خانواده آشپز ماهری بود که سه‌پسر و دودختر داشت. خانم غانم برای استقبال از خانواده خواهرش آماده می‌شد و از پیش ظروف زیادی را آماده می‌کرد. همچنین باغی که مخصوص پذیرایی از میهمانان بود. از آنجا که او زنی سنتی بود، حجابش اجازه نمی‌داد تاری از موهایش معلوم باشد. معمولا لباس‌هایی را می‌پوشید که از سر تا روی پایش را می‌پوشاند.

اما خواهرش علیاء که برای یک مرخصی تابستانه به سوریه می‌آمد از این باغ برای نشان‌دادن لباس‌های مد روزش استفاده می‌کرد. بنابراین دامن‌های شیک می‌پوشید و حجاب سبک‌تری نسبت به خواهرش داشت. لباس‌هایش به لحاظ رنگ و شکل کاملا متنوع بود. نجوا آخرین بچه خانواده غانم بود و تقریبا هشت‌سال از عمرش می‌گذشت. پسرخاله‌اش اسامه یک‌سال از او بزرگ‌تر بود و هر تابستان انتظار را می‌کشید تا بیاید. آن دو بر ساحل می‌دویدند و با هم بازی می‌کردند. گاه اسامه برای این دختر خوشه‌های انگور تازه می‌چید تا به خانه ببرد. شهر لاذقیه به این دو کودک اجازه می‌داد تا در کنار هم راحت باشند. نجوا یک دانش‌آموز کوشا و یک بازیکن ماهر تنیس بود؛ کسی که به مرور به پوشیدن دامن‌های بلند روی آورد تا وقتی می‌پرد دیگر ساق‌هایش معلوم نباشد. ساعت‌ها تمرین می‌کرد و می‌کوشید در بازی هم مثل درس‌هایش موفق باشد. برادر نجوا، سلیمان هنوز دیدارهای اسامه را به یاد می‌آورد. می‌گوید طبیعت، شکار، شنا و اسب‌سواری را دوست داشت. اما همین پسرخاله خجالتی یک‌روز تصمیم گرفت با محرمات و تابوهای خانواده مقابله کرده و به همراه نجوا به دمشق پایتخت سوریه برود.

عشق و ازدواج

برای توضیح ازدواج اسامه و نجوا دخترخاله‌اش باید به سال ۱۹۷۴ برویم، یعنی زمانی که آن دو به طور رسمی ازدواج کردند. نجوا فقط ۱۴سال داشت. علیاء از این ازدواج خیلی شادمان بود. ولی مادر نجوا با آن مخالفت می‌کرد و امید داشت که دخترش جواب رد دهد. یک‌بار به دخترش گفت: «تو الان نزدیک من هستی اما اگر به عربستان بروی آن وقت دیدارت برای من سخت می‌شود.» نجوا می‌دانست که مادرش حق دارد. وقتی بچه بود به بلندی دامن مادرش ایراد می‌گرفت و آن را مسخره می‌کرد. اما بعدها وقتی همسر اسامه شد نقاب (روبنده) می‌زد. یک‌بار که مادرش به او ایراد گرفت در جوابش گفت: «این زندگی من است، این منم که آن را تعیین می‌کنم. من او را دوست دارم و می‌خواهم با او زندگی کنم.» سال ۱۹۷۴ مراسم ازدواج اسامه و نجوا برگزار شد. نجوا می‌گوید: «دامن سفید و شیکی پوشیده و موهایم را بافته بودم. می‌دانستم که آن‌روز خوشگل شده‌ام. دوست داشتم قیافه‌ام همان‌طوری باشد که شوهرم می‌خواهد.» جشن عروسی در ویلای بزرگ متعلق به خانواده غانم برگزار شد. مردان و زنان جدا از هم نشسته بودند. در پایان مراسم از همه دعوت شد تا شامی سنتی میل کنند؛ شامی مرکب از گوشت کباب‌شده و دلمه برگ انگور. «خوراکی‌های زیادی بود. اما من گرسنه نبودم. هر روز و شب برای من مثل یک رویا بود. چون بالاخره توانسته بودم با مردی که دوستش داشتم، ازدواج کنم.»

ادامه دارد...

نمایندگان مخالفان دولت اوکراین با مقامات غربی دیدار کردند

رهبر مخالفان: چیزی شبیه «طرح مارشال» می‌خواهیم

خودداری از یک امضا، اوضاع اوکراین را جهنمی کرده: خودداری ویکتور یانوکوویچ از امضای توافقنامه همکاری با اتحادیه اروپا. مخالفان که رویای آزادی اروپایی‌شان بر باد رفته بود از حدود سه‌ماه پیش به خیابان‌ها آمدند و این‌روزها برای سقوط دولت یانوکوویچ به هر دری می‌زنند. مخالفان که نتوانستند دولت را به توسعه روابط اوکراین با اتحادیه اروپا متقاعد کنند، حالا خود شال‌وکلاه کرده‌اند و راهی نشست جهانی امنیتی مونیخ شده‌اند تا برای جلب همیاری و هم‌رایی مقام‌های غربی با خود آنها گفت‌وگو کنند. با آغاز نشست جهانی امنیتی مونیخ در یازدهم بهمن (روز جمعه)، نمایندگان مخالفان دولت اوکراین که به آلمان رفته‌اند، با وزیرخارجه آلمان، رییس‌جمهوری آن کشور و مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیدار کردند. دیدار با جان کری، رییس‌جمهوری آمریکا نیز در دستور کار مخالفان دولت اوکراین بود. جان کری پیش‌تر گفته بود پیشنهادهای رییس‌جمهوری اوکراین، برای پایان‌دادن به بحران سیاسی در آن کشور «هنوز به سطح مناسب برای اصلاحات نرسیده است.» به گزارش بی‌بی‌سی، در گفت‌وگو کری با چندین‌نفر از رهبران مخالفان امکانات اپوزیسیون برای تشکیل یک دولت جدید بررسی می‌شود. جنیفر ساکی، سخنگوی وزیرخارجه آمریکا گفته است در حال حاضر مساله تحریم اوکراین در کنگره آمریکا در دست بررسی است، اما هنوز تصمیمی در این زمینه گرفته نشده است. نمایندگان دولت اوکراین نیز در کنفرانس امنیتی مونیخ شرکت دارند، اما جان کری سخنی در این‌باره نگفته که آیا با آنها نیز دیدار خواهد کرد یا نه. در همین حال دیمیتری روگوزین، معاون نخست‌وزیر روسیه دیدار جان کری، وزیرخارجه آمریکا با رهبران مخالفان دولت اوکراین را یک «سیرک» خواند. این دیدار در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ انجام می‌شود. رهبران مخالف دولت اوکراین با وزیرخارجه آلمان و کاترین اشتون نیز دیدار کردند. مخالفان اوکراینی از اروپا و آمریکا خواستند تا فراتر از حمایت‌های بیانی از آنها گام بردارند و تلاش کنند به خشونت‌هایی که رییس‌جمهوری را عامل آن معرفی کرده‌اند، پایان دهند. روز جمعه در دیدار آرسنی یاتسه‌نیوک، از رهبران مخالفان اوکراینی و فرانک-والتر اشتینمایر، وزیرخارجه آلمان، یاتسه‌نیوک با اشاره به خواست آنها برای اجرای چیزی شبیه طرح مارشال- طرح موفقیت‌آمیز آمریکا پس از جنگ‌جهانی‌دوم برای بازسازی اقتصادی در اروپا- گفت: «ما برای بازسازی اقتصادی و سیاسی به حکومت نظامی در اوکراین احتیاجی نداریم.» بحران در اوکراین با پیداشدن دیمیتری بولاتوف از معترضان ناپدیدشده، ابعاد تازه‌ای نیز به خود گرفت. بولاتوف که با چهره‌ای شدیدا مجروح پیدا شده است، گفته شکنجه شده، گوشش را بریده‌اند، ناخن‌هایش را کشیده‌اند و در جنگل رهایش کرده‌اند. سخنگوی کاخ‌سفید و نیز کاترین اشتون پس از پیداشدن بولاتوف و شرح شکنجه‌های او، از این موضوع انتقاد کرده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل نیز آنچه بر معترض اوکراینی رفته است را «وحشیانه» خوانده است. همزمان با وجود لغو برخی از قوانین محدودیتی علیه مخالفان به نظر نمی‌رسد بحران سیاسی در آن کشور فروکش کرده باشد، به‌ویژه که دولت خواست اولیه و اصلی مخالفان برای انجام انتخابات زودرس را رد کرده است. نتیجه این اعتراضات هرچه باشد، مشخص است که ویکتور یانوکوویچ دیگر نمی‌تواند موقعیت خود را بازسازی کند؛ موقعیتی که او از انتخابات سال ۲۰۱۲ موفق شده بود آن را حفظ کند. موقعیت او به‌طور فزاینده‌ای شکننده است. او نه می‌تواند به ادامه حمایت الیگارشی میلیاردر اوکراین دل ببندد و نه روی کمک‌های روسیه حساب باز کند. شکی نیست که روسیه می‌خواهد بازی را از اتحادیه اروپا ببرد اما همزمان تاریخ نشان داده که روسیه تکیه‌گاهی همیشگی نیست. از دیگر سو پوتین نیز در کشورش به‌عنوان یک مستبد شناخته شده و نیازمند دفاع از موقعیت خود است.

ویتالی کلیچکو در دیدار با وزیر خارجه آلمان. عکس: AP

افشای جزییات طرح مورد حمایت آمریکا برای صلح خاورمیانه

امیدواری آمریکا نسبت به نهایی‌کردن چارچوب صلح خاورمیانه در هفته‌های آتی در حالی است که جزییات محرمانه دیدگاه واشنگتن نسبت به توافق صلح میان رژیم اسراییل و فلسطین فاش شد. به گزارش دیلی‌تلگراف، مارتین ایندیک، نماینده ویژه دولت آمریکا در مذاکرات صلح میان رژیم اسراییل و فلسطین در دیداری محرمانه با رهبران یهودی آمریکا گفت آمریکا امیدوار است دور نهایی مذاکرات میان دو طرف را فراهم کند. بر اساس این گزارش چارچوب کاری برای توافق صلح مورد حمایت آمریکا برای خاورمیانه تعیین‌شده که اجازه به باقی‌ماندن ۸۰درصد از شهرک‌های رژیم اسراییل در کرانه‌باختری را می‌دهد. شهرک‌نشینان یهودی که حضور آنها در اراضی فلسطینی از دید جامعه بین‌الملل یک نقض غیرقانونی است، در راستای یک معامله معروف به تبادل زمین با فلسطینی‌ها در همان‌جا که هستند باقی خواهند ماند. ایندیک که سفیر سابق آمریکا در رژیم اسراییل بوده ظاهرا در این نشست گفته است هرگونه معاهده صلح نهایی برای قربانیان جنگ فلسطین و اسراییل در هر دو سوی درگیری، غرامت تعیین خواهد کرد. یکی دیگر از نقاط اصلی این چارچوب کاری این است که رژیم اسراییل اجازه خواهد یافت تا در حفظ امنیت در مرز کرانه‌باختری با اردن ایفای نقش کند. افشای طرح آمریکا درباره توافق صلح در حالی است که تزیپی لیونی مذاکره‌کننده ارشد رژیم اسراییل در مذاکرات صلح خاورمیانه اعلام کرد بدون تضمین امنیت اسراییل هیچ توافقی با تشکیلات خودگردان فلسطین منعقد نخواهد شد. از دیگر سو وزیر دفاع رژیم اسراییل نسبت به ادامه شلیک موشک از نوارغزه به سمت اراضی اشغالی هشدار داده و حماس را مسوول این حملات دانست.

استراق سمع مکالمات اردوغان- گل

رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه متعهد شد که اقدامات جدیدی را برای مقابله با استراق‌سمع مکالمات تلفنی مقام‌های دولتی انجام دهد. این اظهارات پس از آن مطرح شد که ادعاهایی مبنی بر شنود مکالمات رییس پارلمان ترکیه، خانواده اردوغان و عبدالله گل منتشر شد. (حریت)

«اون» دیکتاتور نیست

دنیس رادمن، بسکتبالیست سابق آمریکایی باوجود اذعان به مست‌بودن در مصاحبه‌هایش در کره‌شمالی، گفت از دیدار با رهبر کره‌شمالی که او را «دوست» خطاب می‌کند، پشیمان نیست. او گفت: من، رهبر کره‌شمالی را دیکتاتور نمی‌دانم. او دوست من است و من همیشه او را «پسر» صدا می‌زنم. (سی‌ان‌ان)

درخواست شریف از طالبان

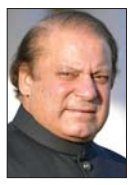

نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان از طالبان خواست یک تیم مذاکره‌کننده معرفی کنند. عرفان صدیقی، مشاور نواز شریف، در امور ملی در کنفرانس خبری خود گفت: ما جدا منتظر آغاز مذاکراتی موثر و نتیجه‌بخش هستیم و آماده‌ایم تا در هر جایی با نمایندگان تحریک طالبان پاکستان دیدار کنیم. (نیشن)

گزارش

جدال لفظی دمشق و مخالفان

ولیدمعلم: می‌خواهند همه‌چیز را تحویل دهیم و برویم

● توافقی که شهریورماه امسال برای برچیدن زرادخانه و سلاح‌های شیمیایی در سوریه میان روسیه و آمریکا و در پی بحرانی که با حمله شیمیایی در سوریه بالا گرفت و این کشور را با خطر جنگ روبه‌رو کرد از سوی واشنگتن چندان راضی‌کننده نبوده است. جان‌کری، وزیر خارجه آمریکا دمشق را به بی‌توجهی به تعهدات بین‌المللی خود برای نابودی سلاح‌های شیمیایی متهم کرده است. کری با بیان اینکه به عقیده آمریکا دولت بشار اسد «با آن سرعتی که قول آن را داده است تا سلاح‌های شیمیایی را از سوریه خارج کند، عمل نمی‌کند»، تاکید کرد: واشنگتن «عمیقا نگران» است که آیا دولت سوریه موفق به انجام آن در زمان برنامه‌ریزی‌شده خواهد شد یا نه. این در حالی است که سوریه از ماه پیش انتقال «خطرناک‌ترین» بخش از زرادخانه شیمیایی خود را آغاز کرده است. همزمان گزارش‌ها از انتقال تنها چهاردرصد از این سلاح‌ها خبر می‌دهند. از دیگر سو یک‌روز پس از پایان هشت‌روزه دور اول مذاکرات میان نمایندگان دولت و ائتلاف‌ملی اپوزیسیون سوریه دو طرف، یکدیگر را مسوول بی‌نتیجه‌بودن مذاکرات دانستند. ولید المعلم، وزیر خارجه سوریه در کنفرانسی خبری در ژنو، یکی از دلایل به‌نتیجه‌نرسیدن مذاکرات را «جدی‌نبودن» هیات نمایندگی ائتلاف ملی اپوزیسیون عنوان کرد. او گفت: «گویا می‌خواهند ما یک‌ساعته بیاییم و همه‌چیز را به آنها تحویل دهیم و برویم. این نشانه ناپختگی سیاسی است.» در مقابل، احمد الجربا، رییس ائتلاف ملی اپوزیسیون سوریه، نمایندگان دولت را متهم به سنگ‌اندازی در مسیر نتیجه‌بخش‌بودن مذاکرات ژنو متهم کرد. او مدعی شد: «ژنو، آغازی برای پایان این نظام است.» در همین راستا عمران الزعبی، وزیر اطلاع‌رسانی سوریه هم گفت هیات اعزامی دولت در مذاکرات ژنو۲ هیچ امتیازی نمی‌دهد. فهد جاسم‌الفریج، وزیر دفاع سوریه هم در هنگام بازدید از بخش‌هایی در استان حلب تاکید کرد حلب با رهبری بشار اسد پیروز باقی خواهد ماند. واکنش‌ها به نتایج دور اول این مذاکرات در حالی ادامه دارد که نمایندگان روسیه، آمریکا و سازمان‌ملل در نشستی در حاشیه کنفرانس مونیخ نتایج این مذاکرات را مورد بررسی قرار دادند. والری اموس هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان‌ملل نسبت به عدم‌توافق در مذاکرات اخیر ژنو برای ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه به سوریه اظهار نگرانی کرده است. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه هم با بیان اینکه مسکو به تنهایی قادر به حل‌وفصل بحران سوریه نیست، تاکید کرد باید روی دو طرف درگیری‌ها در این کشور اعمال فشار صورت گیرد.

ادامه از صفحه ۶

روحانی «سوپرمن» نیست

مـا در دولـت اصلاحات با تجربه نـاکام لایحه اختیـارات ریاسـت‌جمهوری مواجـه شـدیم. آیا ساختار سیاسی کشور اجازه می‌دهد سازوکارهای اجرایی استفاده از ظرفیت‌های دولت به عرصه عمل برسد؟

این پدیده را نباید صرفا سیاسی نگاه کرد. اگر تنها به این دید و با دعواهای سیاسی سراغ این موضوع برویم همان بلایی که در لوایح دوقلو دولت آقای خاتمی سرمان آمد تکرار می‌شود.آنچه مردم در انتخابات ۹۲ نشان دادند همان‌چیزی بود که سال ۷۶ می‌خواستند.

فروردین ۷۶ هیچ‌کس فکر نمی‌کرد آقای خاتمی با آن رای بالا رییس‌جمهور شود. همه شرایط برعکس آنچه در خرداد رخ داد را نشان می‌داد. حتی برخی افراد به‌سراغ انگلیسی‌ها رفتند و به مذاکره برای همکاری آنها پرداختند. مذاکراتی که برخی افراد با انگلیس داشتند و بعدها فاش شد نشان می‌داد پیش‌بینی‌ها چه بود اما مردم خواست دیگری داشتند. ما باید بتوانیم ساختارهای قانونی ایران را اصلاح کنیم اما راه اصلاح از انقلاب و دعوا نمی‌گذرد.

در زمان مجلس ششم تلاش این بود که در قالب لایحه و تصویب در پارلمان، ساختار اصلاح شود اما نتیجه مطلوب حاصل نشد؟

شما از دید اصلاح‌طلبانه نگاه می‌کنید اما طرف مقابل فکر می‌کرد با این لایحه به‌دنبال حاکمیت دوگانه هستیم. من تصور می‌کنم اصلا نگاه و حرکت به سمت حاکمیت دوگانه اشتباه است. ما باید در قالب قوانین ایران ببینیم چگونه می‌توان بهترین عملکرد را داشت. بسیاری از قوانین اجرایی کشور اصلا بر اساس قانون‌اساسی نوشته نشده است. فصل سوم قانون‌اساسی که حقوق ملت است را نگاه کنید. این فصل چقدر آیین‌نامه اجرایی دارد؟ قانون‌اساسی یک رهنمود کلی است که احتیاج به قوانین اجرایی دارد.

وقتی قانون‌اساسی، راهپیمایی و تجمعات مردمی را آزاد می‌داند چگونه باید اجرایی شود؟ مرجع تشخیص مخل با مبانی اسلام نبودن راهپیمایی کیست؟ به همین دلیل فکر می‌کنم آنچه به دور از هیاهو باید به‌دنبال آن برویم یافتن ضمانت اجرایی قانون‌اساسی است.

همیشه گفته می‌شود قانون‌اساسی ظرفیت‌های زیادی دارد. برای اجرای آن چه باید کرد؟

نکته اینجاست که هیچ‌کس از لحاظ حقوقی شروع به مشخص‌کردن چگونگی اجرای این ظرفیت‌ها نکرده است.

اگر این کار را انجام دهیم ضعف‌های قانون‌اساسی هم مشخص می‌شود.

شما به محض اینکه می‌خواهید حتی به لحاظ نظری وارد این موضوع شوید طرف مقابل تصور می‌کند می‌خواهید او را محدود کنید.

این ذهنیت را باید از بین برد. اگر واقعا در چارچوب قانون رفتار کنیم و به آن مومن باشیم که آموزش‌های رفتار قانونی را در دستور کار قرار دهیم، می‌توانیم موفق باشیم. بدترین قانون هم از بی‌قانونی بهتر است چون می‌توان نسبت به آن شناخت پیدا کرد اما در مورد سلیقه نمی‌توان کاری کرد. همه قدرت‌ها باید در قالب قانون تعریف شوند، اختیار داشته باشند و پاسخگو شوند. اگر این اتفاق بیفتد کسی نمی‌تواند به حیطه قدرت دیگری نفوذ کند اما اگر اینگونه نباشد برداشت‌های سلیقه‌ای از قانون به نفع صاحبان قدرت رواج می‌یابد.

فکر می‌کنید گشایش مورد نظر چقدر زمان می‌برد؟

اگر واقعا بتوانیم احزاب را در ایران فعال کنیم و قبول کنیم که قانون احزاب از تفاسیر خارج شود و جامعیت یابد و تجربه ۱۱ دوره انتخابات ریاست‌جمهوری را بررسی کنیم می‌بینیم که از نایب‌رییس اصولگرای مجلس تا اصلاح‌طلبان همه به‌دنبال تحزب هستند. عناصر سیاسی کشور به این جمع‌بندی رسیده‌اند بدون احزاب نمی‌توان حکمرانی خوب داشت. اگر در چهارسال اول دولت روحانی بتواند ساختار احزاب را با قوانین سفت و سخت شکل دهد تا راه تفسیرهای سلیقه‌ای بسته شود به تدریج بر مشکلات فایق می‌آییم. راه برون‌رفت ما از این شرایط احیای احزاب است.

در چارچوب قانون همه باید بپذیرند که عمل کنند. نگاه به احزاب را باید تغییر داد و دولت باید متوجه شود که نیاز به حزب واقعی است. خرد جمعی احزاب می‌تواند بسیاری از موانع کشور را حذف و اصلاح کند. راه نجات هم حضور مردم است. شما به ژاپن نگاه کنید؛ نه ارتش قدرتمند دارد نه سلاح هسته‌ای، اما سال‌ها دومین اقتصاد دنیا بود. به دلیل یک‌میلیون‌دلار فساد رییس دولت مجبور به استعفا می‌شود. این نشان می‌دهد حیات جامعه نیاز به شفافیت و پشتیبانی حاکمیت دارد.

با توجه به اینکه دوماه تا پایان سال مانده فکر می‌کنید شایعات اخیر پیرامون برخی آزادی‌ها به وقوع بپیوندد؟

مساله زندانیان سیاسی مساله فرعی است. حالا ممکن است بگویند چون من در بیرون هستم این حرف را می‌زنم اما فکر می‌کنم دوستان دیگری که در زندان هستند هم همین‌طور فکر می‌کنند. مهم این است که نگاه برون‌رفت از این شرایط شکل گیرد. اگر این نگاه در کشور غالب شود مشکلات حل می‌شود. فکر کنید ۱۰نفر هم آزاد شوند ولی اگر اتفاقی نیفتد و نگاه عوض نشود چه؟